فهرست:

مقدمه ۱

سرقت و مسایل قضایی مربوط به آن ۳

کلاهبرداری ۹

خیانت در امانت ۱۷

چک ۲۳

تصرف عدوانی، رفع مزاحمت و ممانعت از حق ۳۱

مقدمه

اتخاذ سیاست های کیفری موثر چه در مرحله کشف و اثبات جرم و چه در مراحل مجازات و بازپروری محکومین، باید بر این اصل استوار باشد که اصلاح مجرم بر انتقام از او ارجحیت داشته باشد و قاضی در جایگاه اصلی خود به عنوان یک طبیب اجتماعی اعمال وظیفه نماید. در واقع از آنجایی که عوامل مختلفی در ظهور و بروز پدیده مجرمانه دخالت دارند، اعمال تنبیه و مجازات به تنهایی کافی نبوده و باید متناسب با ریشه های وقوع جرایم، تمهیداتی نیز جهت مهار آنها اندیشیده شود. بر این اساس پیش گیری از وقوع جرم تمامی تدابیری را در بر می گیرد که از طریق ریشه یابی عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، منجر به کاهش عوامل جرم زا می گردند.

بدیهی است ترویج باورهای دینی و نیز ارتقای دانش حقوقی مردم، نقش بسزایی در برخورد با آسیب های اجتماعی دارد چرا که با رشد عقل جمعی بسترهای مناسبی برای تعامل مجموعه نهادهای دولتی و مردمی به وجود خواهد آمد و همین امر موجب خواهد شد که کیفیت عکس العمل های عمومی در مقابل جرایم تغییر یابد.

با این توصیف افزایش سطح آگاهی های عمومی مخصوصاً جوانان که در معرض آسیب پذیری بیشتری قرار دارند، در کنار توسعه و گسترش برنامه های تربیتی و تعمیق آموزش های وسایل جمعی موجب تقویت و ترغیب افراد جامعه به اصول اخلاقی خواهد گردید.

در راستای موارد عنوان شده، کتابچه هایی در موضوعات مختلف حقوقی تهیه گردیده که نمونه ای از آن در پیش روی شما قرار دارد. محتوای این کتابچه ها، برگرفته از موضوعاتی است که اعضای محترم شوراهای حل اختلاف و نیز شهروندان و مراجعین به دادگستری های سراسر کشور بیشتر با آنها مواجه اند .

این مجموعه دنباله سلسله متون آموزشی است که تحت عنوان " حقوق به زبان ساده " ، در قالبی کاربردی توسط اداره کل آموزش های مردمی معاونت آموزش قوه قضاییه تدوین گردیده تا با بالابردن سطح دانش حقوقی مردم، نقشی هرچند اندک در شکل دادن به تعاملات روزمره هموطنان بر اساس چارچوب های حقوقی و نتیجتاً تضمین سلامت روانی آنان داشته باشد.

پر واضح است که ارتقای دانش حقوقی شهروندان نه تنها در شکل دادن روابط حقوقی آنها موثر بوده و از دامنه اختلافات خواهد کاست، بلکه در صورت مراجعه آنها به دستگاه قضایی، با دلالت آنان

به مبادی و مصادر صحیح، زمان اعمال دادرسی را کاهش داده و دسترسی به عدالت را تسهیل خواهد نمود. همچنین آشنایی مردم با حقوق و تکالیف قانونی، می تواند به نوبه خود در پیش گیری از وقوع جرایم نقش موثری داشته و در نهایت با کاهش حجم پرونده های مطروحه، موجب عرضه بهتر خدمات قضایی شود.

اگر چه برای وصول به اهداف مذکور راه درازی در پیش است و در این راه بهره گیری از عناصر و عوامل دیگر نیز لازم می باشد، لیکن پرواضح است که ادامه چنین روندی می تواند به تقویت روحیه خوداتکایی و تقلیل بروکراسی منجر شود و به رشد و بالندگی جامعه پویا و در حال تکامل ما شتاب بیشتری بخشد.

در پایان شایسته است از تشریک مساعی دفتر برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نیز تقدیر به عمل آید. امید است که با تعمیق همکاری ها در مسیر توسعه ای پایدار، در این راه گام های بلندتری برداشته شود.

در این خصوص انتظار می رود با مساعدت همکاران محترم قضایی، استادان دانشگاه و کلیه حقوق دانان و نهادهای مدنی، در آینده ای نه چندان دور شاهد رشد کمی و کیفی خدمات ارایه شده باشیم و با عرضه این قبیل منابع در روابط عمومی وزارت خانه ها، دفترهای ارشاد و معاضدت قضایی، فرهنگسراها و دفترهای مددکاری اجتماعی در سراسر کشور، در نهایت شاهد تحولی چشمگیر در روابط و مناسبات اجتماعی باشیم.

معاونت آموزش قوه قضاییه
اداره کل آموزش های مردمی

سرقت و مسایل قضایی مربوط به آن

مقدمه:

یکی از قدیمی ترین جرایم که شاید از همان پیدایش مفهوم مالکیت در جوامع بشری ارتکاب می یافته و معمولاً مجازات های سختی هم برای مرتکبین آن در نظر گرفته شده است، جرم سرقت می باشد. امروزه در اکثر کشورهای جهان، جرم سرقت به دلیل تنوع و گوناگونی آن به انواع مختلفی که هر یک شرایط خاص و مجازات مخصوص به خود را دارد، تفکیک شده است. برای مثال: سرقت ساده، سرقت مسلحانه، سرقت از بانک ها و ... .

در کنار جرم سرقت، برخی از اعمال مرتبط با این جرم نیز در دنیا واجد وصف مجرمانه می باشند و قابل مجازات شناخته شده اند. مهم ترین این قبیل اعمال، جرم مداخله در اموال مسروقه از طریق خرید و فروش مال مسروقه، مخفی کردن مال مسروقه و ... می باشد.

سرقت در کشور ما انواع مختلفی دارد که معمولاً به سرقت های حدی و تعزیری تقسیم می شوند. سؤالی که برای بیشتر مردم پیش می آید این است که چرا دست سارقین قطع نمی شود؟ مگر احکام اسلام در قوانین کیفری ما نیامده اند؟

برابر متون شرعی و مقررات کیفری، برای اجرای حد سرقت باید شرایطی وجود داشته باشد که در صورت فقدان هر یک از آنها، حد جاری نخواهد شد و مرتکب سرقت، شاید بر مبنای سایر قوانین قابل تعقیب و مجازات باشد.

برای مثال:

– سارق باید بالغ باشد.

– سارق به سرقت وادار نشده باشد و بداند و آگاه باشد که مال دیگری را می رباید.

– سارق بداند که این عمل حرام است و صاحب مال، مال را در حرز قرار داده باشد (مقصود از حرز مکانی است که مال برای محافظت در آن قرار می گیرد. برای مثال گاوصندوق برای جواهرات، حرز است)

– سارق در حالت اضطرار سرقت نکرده باشد (مجبور به سرقت نشده باشد).

– سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد.

– سارق مال را به قصد دزدی برداشته باشد.

– مال مسروقه در حرز متناسب قرار گرفته باشد (مال مسروقه در جایی قرار نداشته باشد که انتظار وجود آن در محل نمی رفت).

– مال مسروقه از اموال دولتی و وقف نباشد و . . .

با این مثال ها متوجه می شویم که برای حد سرقت و قطع دست، باید مجموعه شرایطی با هم وجود داشته باشد در حالی که معمولاً جمع این شرایط با یکدیگر کمتر اتفاق می افتد البته این بدین معنا نیست که سارق مطابق سایر مقررات قابل تعقیب و مجازات نباشد. گذشته از تمام این موارد، حتی اگر تمام این شرایط با هم وجود داشته باشند، برای اجرای حد نیز شرایطی وجود دارد، از جمله اینکه صاحب مال پیش از شکایت، سارق را نبخشیده باشد یا سارق قبل از اثبات جرم از این گناه توبه نکرده باشد.

غیر از مواردی که گفته شد، سرقت هایی وجود دارند که به آنها در اصطلاح " سرقت های تعزیری " می گویند، یعنی سرقت هایی که مجازات قطع دست ندارند که به اختصار به هر یک می پردازیم:

۱– سرقت مقرون به آزار یا به طور مسلحانه:

هرگاه سرقت همراه با آزار باشد یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تا ۱۰ سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می شود. اگر سارق در هنگام سرقت مرتکب آسیب بدنی نیز شود، علاوه بر مجازات جرح، به حداکثر مجازات یعنی ۱۰ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۲- سرقت مسلحانه گروهی در شب:

هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یکی از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد، هریک از مرتکبین به پنج الی ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهند شد.

۴۳- سرقت مقرون به پنج شرط مشدّد:

هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمامی شرایط زیر باشد، مرتکب به پنج تا ۲۰ سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد:

الف- سرقت در شب واقع شده باشد.

ب- سرقت توسط دو نفر یا بیشتر انجام شده باشد.

ج- یک یا چند نفر از سارقین حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

د- سارقین از دیوار بالا رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده باشند یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است، سرقت کرده باشند.

ه- در ضمن سرقتی کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

۴-سرقت مسلحانه از منازل:

هرگاه یک یا چند نفر برای سرقت وارد منزل یا مسکن اشخاص شوند و حداقل یک نفر از آنها حامل اسلحه باشد یا هیچ یک مسلح نباشند اما در موقع سرقت در مقام هتک ناموس برآیند، به مجازات اعدام یا حبس ابد محکوم خواهند شد.

در صورتی که ساکنان منزل یا مسکن در مقام دفاع از مال یا جان یا ناموس برآیند یا برای جلوگیری از ربوده شدن مال در محل سرقت مرتکب قتل یا جرح یا ضرب سارقین شوند، از مجازات معاف هستند. اگر سارقین به اخطار مأمورین توجه ننمایند و تسلیم نشوند و در نتیجه فرار آنها و تیراندازی مأمورین مجروح یا کشته شوند، مأمورین از مجازات معاف خواهند بود.

۵- سرقت مسلحانه از بانک‌ها، صرافی‌ها یا جواهرفروشی ها:

هرگاه دو یا چند نفر با برنامه ریزی و مواضعه قبلی، وجه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیای قیمتی را از بانک ها، صرافی ها و جواهر فروشی‌ها سرقت کنند و لااقل یک نفر از سارقین مسلح به سلاح سرد یا گرم ظاهر یا مخفی، پر یا خالی باشد، چه از آن استفاده کند و چه نکند، در صورت وقوع سرقت به حبس ابد و در صورت وقوع قتل به اعدام محکوم خواهند شد.

هرگاه علی‌رغم میل سارقین هیچ یک از این دو نتیجه یعنی سرقت و قتل از عمل آنان حاصل نشود، هریک از آنها به حبس از ۱۰ الی ۱۵ سال محکوم

خواهند شد ولی اگر اراده آنان در عدم تحقق قتل یا سرقت موثر باشد، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شوند.

۶- راهزنی:

سارق مسلح و قطاع الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را بر هم زند و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است؛ در این صورت به مجازات اعدام (قتل یا به دارآویختن) یا قطع دست راست وپای چپ یا تبعید محکوم خواهد شد. اعمال هر یک از این مجازات ها بستگی به نظر قاضی دارد.

اگر کسی در راه ها به نحوی اقدام به راهزنی کند که عملش محاربه نباشد، به سه تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

۷- سرقت از موزه ها یا مکان های تاریخی و مذهبی:

هرکس اشیا، لوازم، مصالح و قطعات آثار فرهنگی و تاریخی را از موزه ها، نمایشگاه ها، مکان های تاریخی و مذهبی و سایر مکان هایی که تحت نظارت و حفاظت دولت است سرقت کند یا با علم و آگاهی به مسروقه بودن آنها را بخرد یا پنهان کند، به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

۸- سرقت وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی:

سرقت وسایل و متعلقات مربوط به این تأسیسات که مورد استفاده عمومی قرار می گیرند، مجازات حبس دارد: تأسیسات آب، برق، گاز و غیره که با هزینه یا سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا به وسیله نهادها و سازمان های عمومی غیردولتی یا موسسات خیریه مانند کمیته امداد ایجاد یا نصب شده باشد. مجازات حبس در این موارد از یک تا پنج سال می باشد و اگر سارق از کارکنان سازمان مربوط باشد، به حداکثر حبس یعنی پنج سال محکوم می شود.

۹-کیف زنی یا جیب بری:

سرقت از طریق کیف زنی یا جیب بری و امثال آن، دارای مجازات حبس از یک تا پنج سال و شلاق تا ۷۴ ضربه می باشد.

۱۰- سرقت از مناطق حادثه زده:

هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد، سارق به حبس از یک تا پنج سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

۱۱- سرقت مقرون به یکی از شرایط مذکور در قانون:

در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و همراه با یکی از شرایط زیر باشد، سارق به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد:

الف- سرقت در محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.

ب- سرقت در جایی واقع شده باشد که در آن درخت، بوته، پرچین یا نرده قرار گرفته و سارق آن را شکسته باشد.

ج- سرقت در شب واقع شده باشد.

د- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

م- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده باشد یا مال شخص دیگری را از منزل مخدوم خود یا منزل شخص دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته برباید یا شاگرد یا کارگر باشد و از محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت کرده باشد.

ن- هرگاه اداره کنندگان هتل، مسافرخانه، کاروان سرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنهاست، تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

۱۲- سرقت یا استفاده غیرمجاز از آب، برق، گاز، تلفن:

هرکس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب، برق، گاز و تلفن از این منابع استفاده غیرمجاز کند، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱۳- مداخله در اموال مسروقه:

بیشتر سارقین به امید اینکه بتوانند مال مسروقه را به پول تبدیل کنند مرتکب سرقت می شوند از این رو شاید یکی از راه های موثر در پیشگیری از وقوع سرقت، جلوگیری از خرید و فروش اموال مسروقه باشد. برابر قانون، هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده آن را تحصیل، مخفی یا قبول کند

یا مورد معامله قرار دهد، به حبس ازشش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه و پیشه خود قرار داده باشد، به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

وظیفه سارق در مقابل مال باخته:

برابر قانون در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال، دادگاه علاوه بر تعیین مجازات، سارق یا رباینده را به رد (بازگرداندن) عین مال مسروقه محکوم می کند و اگر عین آن وجود نداشته باشد، سارق به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. برای مثال اگر سارقی فرش نفیس ۱۲ متری کاشی آقای (الف) را برده باشد، چنانچه عین مال موجود باشد حتی اگر در دست شخص دیگری باشد، مال ربوده شده به آقای (الف) برگردانده می شود. چنانچه فرش مزبور از بین رفته باشد، قیمت آن توسط کارشناس ارزیابی می گردد که باید توسط سارق پرداخت شود. اگر سارق عین مال را برنگرداند یا قیمت آن را نپردازد، چنانچه مالی از او در دسترس باشد ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده برداشت می شود؛ در غیر این صورت، به تقاضای مال باخته تا زمان پرداخت در حبس باقی خواهد ماند. حتی اگر مدت محکومیت مجازات اصلی او تمام شده باشد، به علت عدم باز پس دادن مال مسروقه در بازداشت باقی خواهد ماند مگر آنکه برای دادگاه ثابت شود او معسر است یعنی دارایی اش برای پرداخت بدهی کافی نمی باشد.

نمونه شکایت برای سرقت

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب ....

با سلام و احترام

اینجانب ..... فرزند ..... مقیم..... خیابان ..... کوچه ..... پلاک ..... در تاریخ ..... اتومبیل پژو به شماره ..... خود را در خیابان ..... پارک و برای خرید دارو به داروخانه ..... مراجعه کردم. پس از بازگشت متوجه شدم که شیشه اتومبیل ام شکسته شده و سارق یا سارقین وسایل داخل اتومبیل از جمله کیف دسته چک ۵۰ برگی به شماره های ..... عهده بانک ..... را به سرقت بردند از این رو برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از اسناد و نیز تعقیب مجرم یا مجرمین تقاضای صدور دستور انجام تحقیق در خصوص شکایت را دارم.

امضاء

کلاهبرداری

مقدمه:

حتماً شهروندان گرامی در زندگی روزمره خود با افرادی برخورد کرده اند که به کار پخش آگهی در سطح شهر اشتغال دارند. با نگاهی گذرا به این آگهی ها، می توان دریافت که بخش عمده ای از آنها در مورد دعوت به کار در شرکت ها، موسسات و سایر مراکز آموزشی، تولیدی، خدماتی و بازرگانی است. معمولاً اولین سؤالی که با دیدن این آگهی ها در ذهن متبادر می گردد این است که: " با وجود این همه جوانان بیکار چگونه است که این مراکز به دنبال نیروی کار می گردند و حاضرند در این راه حتی با پخش آگهی هزینه قابل توجهی را نیز متقبل گردند؟ ". برای پاسخ به این سؤال بد نیست که به بررسی برخی از پرونده های قضایی بپردازیم.

در یکی از این پرونده ها جوانی را می توان یافت که با هزاران آرزو و امید برای یافتن شغلی مناسب در خارج از کشور به یکی از همین شرکت های بی نام و نشان رجوع کرده است تا هم از کشور خارج شود و هم بتواند در آنجا برای خود شغل مناسبی پیدا کند. نتیجه آن شد که بعد از مدتها دوندگی و بلاتکلیفی او، در آخر شرکت مزبور خیالی از کار درآمده و وجود خارجی نداشته است. سرمایه آن جوان نیز به همراه سرمایه بسیاری از جوانان دیگر برباد رفت و گردانندگان

شرکت هم همانند روباهی به‌سوراخی خزیده، ناپدید شدند.

در پرونده‌ای دیگر، شخصی به دلیل نداشتن مسکن مناسب و به انگیزه خرید ملک، فریب مالک متقلبی را خورد که هیچ زمینی نداشت و پس از جمع آوری وجوه مردم سر از یکی از کشورهای خارجی درآورده است.

در پرونده دیگر شخصی را می توان یافت که با جعل کارت شناساییِ دروغین ادعا می‌کرده که در فلان اداره شاغل است و به راحتی می تواند مشکلات مراجعین را در آن اداره حل کند و از این طریق در خلال سال ها ارتکاب به این عمل، عده ای را از زندگی ساقط کرده و هستی آنها را به راحتی به یغما برده است.

قدر مسلم اینکه زمینه های مختلفی در هر جامعه وجود دارد که موجبات ظهور و بروز فعالیت این شیادان را فراهم می کند ولی آنچه که بدیهی است، این است که این حوادث زمانی اتفاق می افتند که اخلاقیات در شخص از فراز به فرود سقوط کرده باشند. در چنین حالاتی آنهایی که دستخوش هوای نفس می شوند و بازیچه وسوسه های شیطان قرار می گیرند، همان هایی که حاضرند برای لذایذ زودگذر شبه طی ره صد ساله را یک نمایند و با ارتکاب به عملیات متقلبانه هستی دیگری را به تاراج برند، باید بدانند که: " آنکه باد می کارد، طوفان درو می کند " و اینکه بالاخره خانه عنکبوتی آنها با نسیمی در هم پیچیده، فرو می ریزد و دامی که برای دیگران پهن کرده اند، روزی شکارچی را به کام خود خواهد کشید.

کلاهبرداری از جرایم حادث و جدید نیست بلکه از زمان های قدیم به اشکال مختلفی در طول زندگی مردم وجود داشته است. با مطالعه کتب تاریخی نویسندگان قدیم و اشعار شعرای متقدم، می توان گونه های مختلفی از حیله شیادان را جستجو و پیدا کرد. قطعاً این افراد از زمان گذشته تاکنون به منظور دسترسی سهل و آسان به اموال مردم، به این کار دست می زدند، ساده لوحان را می فریفتند، همچون شهابی ثاقب بر سر آنها فرود می آمدند و در یک چشم بر هم زدن میوه بوستان دیگران را به یغما می بردند.

از آنجایی که این جرم در همه نقاط جهان به اشکال مختلف بروز پیدا می کند، همه دولت ها و ملت ها از همان ابتدا با وضع قوانین شدید، درصدد کنترل این موضوع در جامعه خویش برآمدند. در دین مقدس اسلام نیز ارتکاب به این عمل، زشت شمرده شده است. قرآن مجید در این باره می فرماید: " یا اَیُّهَا الَذینَ آمَنوا لاتأکلوا اموالکم بَینَکُم بالباطل " یا حدیث

نبوی" و نهی النبی عن الغرر و لا یحل مال امرء مسلم الاّ بطیب نفسه " که جملگی حالت نهی و بازدارندگی از خوردن حق دیگران دارد.

بدیهی است پیشرفت علم و تکنولوژی نیز در پیچیدگی و سرعت ارتکاب به جرم کلاهبرداری بی تأثیر نیست. به همین علت مراحل مختلف کشف و تعقیب جرم و مجازات مرتکب، به دلیل پیچیدگی قضیه با مشکل روبرو خواهد بود.

حقوقدانان می گویند: " آنهایی که از زوایای تاریک و روشن قانون آگاهی دارند، عملیات کلاهبرداری خویش را دقیق تر و با ظرافت بیشتری انجام می دهند. از این رو همانند " دزدی که با چراغ کمتر آید، گُزیده تر برد کالا "، با مهارت بیشتری با خطر مواجه می شوند. بدیهی است که این گونه شکارچیان اگر به صید خویش دسترسی پیدا کنند، خلاصی از آن تقریباً غیر ممکن است.

به نظر شما چه نامی برازنده این دسته از افراد است؟ ممکن است هرکسی به تناسب سلیقه خود اسامی شیّاد، کلاش، یا شارلاتان را برای آنها انتخاب کند ولی عرف جامعه این گونه افراد را به نام کلاهبردار می شناسد و قانونگذار نیز به پیروی از جامعه، همین واژه را در قانون برای نامگذاری این اشخاص برگزیده است. راستی شما تا چه میزان با این کلمه آشنایی دارید و تا چه حدود از خصوصیات شخصیتی این افراد باخبرید؟ اطلاعات افراد جامعه در این مورد هر چه باشد، شاید حاصل تجربه شخصی یا نتیجه گوش سپردن به داستان هایی است که از دیگران شنیده اند یا در جراید خوانده اند. در این مورد خالی از فایده نخواهد بود که با نظرات قضات باتجربه در مورد ویژگی های این دسته از افراد آشنا شویم.

ویژگی های رفتاری کلاهبرداران در جامعه:

بدون تردید محیط اجتماعی که شخص بزهکار در آن پرورش می یابد، شرایط مکانی، جنسیت، سن،عوامل وراثتی، علل اقتصادی و فرهنگی، دلایل روانی، نوع برخوردهای خانواده با او در زمان کودکی، چشم و هم چشمی ها و صدها علل و انگیزه دیگر بر رفتار و شخصیت این اشخاص تاثیرگذارند.

این افراد که معمولاً آمادگی زیادی برای هنجارشکنی دارند، چنانچه در خانواده ای که از نظر تربیتی ناهنجارند آموزش ببینند یا با افراد قانون شکن در حشر و نشر باشند، شخصیت و رفتارشان تحت تأثیر اعمال آنها قرار خواهند گرفت و در اثر تقلید رفتار مجرمانه و تکرار آن، اگر خطرناک تر از الگوی خود نشوند، حداقل در سطح او قرار خواهند گرفت.

اصولاً این دسته از اشخاص با وجود کراهت درون و روان خویش، سعی در آرایش بیرونی شخصیت خود دارند. بنابراین می توان آنها را با ظاهری خوش، بیانی زیبا و برخوردی صمیمی یافت که سعی دارند از این طریق تظاهر به برخورداری از وقار و منش نیکو نمایند. علی رغم اینکه درون آنها چون دریا طوفانی است، ظاهری آرام دارند. بلندپروازند و در جای خود ولخرج می باشند. چون حرفها و سخنان پیش ساخته دارند، در موقعیت های مناسب آن چنان داد سخن می دهند که در یک جلسه افراد کم تجربه و ساده لوح را به سادگی می فریبند.

از نظر تفکر منفی از ضریب هوشی بالایی برخوردارند و به همین اعتبار نکته‌سنج و سریع‌الانتقال هستند. زودتر از اشخاص عادی نقاط آسیب پذیر دیگران را شناسایی می کنند و همانند صیاد کمین کرده، با بهره گیری از خدعه و تزویر به همان نقاط آسیب پذیر حمله می کنند. آن چنان حوزه فکری طرف مقابل را تسخیر می کنند که فرصت هرگونه حرکت و تصمیم گیری را از او سلب می نمایند و به قول شطرنج بازان، در نهایت با یک حرکت او را مات می کنند.

اصولاً کلاهبرداران می توانند با روش های مختلفی دیگران را بفریبند: برخی از آنها پس از شناسایی افراد گرفتار و پیدا کردن نقاط ضعفشان، در ابتدا نقشه ای مناسب طراحی می کنند و بعد از تهیه مقدمات، نقشه خود را به مرحله اجرا درمی آورند. آنان برای نیل به منظور خویش ابا ندارند که از چه وسیله ای استفاده نمایند. برخی از آنها برای رسیدن به هدف، راه حل گرفتاری و مشکلات طعمه خود را آسان جلوه می دهند و از این طریق او را به خود وابسته می کنند. سپس در فرصت مقتضی و بدون وقت کشی او را به دام می اندازند.

ممکن است کلاهبردار با ژستی مخصوص، خود را شخص مهمی جلوه دهد طوری که به نظر برسد امکان دسترسی آسان به او ممکن نیست. به عبارت دیگر تمام درهای نفوذ و ارتباط را به روی شخص مقابل می بندد و با ایجاد یک جاذبه کاذب در طرف مقابل، میل شدیدی در او ایجاد می کند تا به هر صورت که شده با وی ارتباط بر قرار نماید. در مرحله بعد پس از به وجود آوردن آمادگی ارتباط در شخص نیازمند، به آرامی درهای امید کاذب را یکی پس از دیگری به روی او می گشاید و او را به نرمی با ریسمان پوسیده خویش به قعر چاه مخوف نابودی سوق می دهد.

قانون راجع به کلاهبرداری

ماده یک- هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت ها

اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند یا اسم یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش از یک تا هفت سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

در صورتی که شخص مرتکب برخلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت های دولتی یا شوراها یا شهرداری ها یا نهاد های انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها یا نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشند، علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مبلغی که اخذ کرده است محکوم می شود.

تبصره ۱- در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کمیات مخففه، دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف مجازات، مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده "حبس " و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲- مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا همطراز آنها باشند، به انفصال دایم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند.

پایه های قانونی جرم کلاهبرداری

۱- توسل کلاهبردار به وسایل تقلبی: برای اینکه عمل شخصی را به

عنوان " کلاهبرداری " بشناسیم، وی باید مرتکب عملیات خدعه آمیز و متقلبانه شود. قانونگذار بخشی از این کارها را برشمرده است؛ مثلاً با توسل به حیله و تقلب، مردم را به وجود شرکت ها یا تجارتخانه های موهوم یا به داشتن اختیارات و اعتبارات واهی امیدوار کند یا مردم را از حوادث و پیشامدهای‌غیر واقع بترساند و ... . البته قانونگذار (به تعبیر حقوقدان ها) به صورت حصری در مقام بیان موضوع نمی باشد بلکه آن موارد را از باب مثال ذکر کرده است چراکه توسل به وسایل تقلبی با تنوع و پیشرفت زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم به شکل های دیگری ممکن است نمود پدیدار گردد.

۲- ممکن است شخصی با طرح این ادعا که قادر است مشکلات دیگران را حل کند، عنوان دروغین اداری برای خود درست کند و از این طریق مرتکب جرم کلاهبرداری شود. مثلاً بگوید مسؤول یا کارمند فلان اداره است و می تواند مشکل طرف مقابل را حل کند و از این طریق مال او را ببرد. به هر تقدیر ملاک صدق کلاهبرداری بر عمل این افراد، احراز رابطه علیت بین کلاهبرداری و داشتن سمت جعلی است والا کلاهبرداری مصداق ندارد.

۳- ممکن است شخص به انواع مختلف به داشتن اموال و ثروت فراوان تظاهر نماید و از این راه دیگران را فریب دهد. شخص فریب خورده نیز اموال خود را در اختیار او بگذارد و بدین طریق او مال دیگری را به ناحق ببرد.

یا اینکه شخص به دروغ خود را نقاش ماهری معرفی کند و مردم را به امری پوچ امیدوار سازد. بدین ترتیب که ادعا کند قادر است از روی عکس دیگران، صورت یا قامت آنها را همانند عکسشان به تصویر بکشد و بدین طریق دیگران را فریفته و از آنها اخاذی کند.

یا اینکه دیگری را با یک حادثه دروغین بترساند و مدعی شود که یکی از اعضای خانواده وی در اثر این حادثه صدمه جدی دیده و از خانواده او اخاذی کند.

به هر تقدیر علمای علم حقوق، رکن اصلی جرم کلاهبرداری را " قصد مجرمانه " مرتکب دانسته اند و به همین اعتبار قصد مجرمانه را به دو بخش تقسیم کرده اند:

بخش اول: سوء نیت عام

یعنی مرتکب با اطلاع و آگاهی و هوشیارانه و با استفاده از ابزار تقلبی مردم را فریب دهد (ارتکاب به این عمل توسط شخص دیوانه، غیر ممیّز و غیر قاصد کلاهبرداری محسوب نمی شود).

یا تجارتخانه ها یا کارخانه ها یا مؤسسات موهوم یا داشتن اموال یا

بخش دوم: سوء خاص

تمام اعمال مرتکب باید برای او نتیجه مالی داشته باشد و در نهایت وی قادر باشد مالی از دیگری به ناحق ببرد.

بر این اساس جرایمی که ماهیتاً کلاهبرداری محسوب می شوند اما فاقد عناصر و ارکان تشکیل دهنده کلاهبرداری می باشند، در حکم کلاهبرداری بوده و مجازات مرتکب همان مجازات کلاهبرداری است مانند فروش مال غیر.

برخی دیگر از انواع کلاهبرداری:

۱- ورشکستگان به تقلب یعنی تاجری که با توسل به اعمال تقلبی و خارج از شیوه معمول در امر تجارت، موجبات ورشکستگی خویش را فراهم نماید.

۲- معامله بی اساس به منظور فرار از پرداخت بدهکاری یا انتقال مال به غیر بدون اینکه هیچ گونه سمت قانونی از قبیل رضایت، وکالت، ولایت، نمایندگی یا سایر عناوین و سمت های قانونی را دارا باشد یا با وجود اینکه ملکی را که قبلاً به دیگری انتقال داده انتقال درخواست ثبت آن را نماید، در همه این حالات مرتکب این اعمال کلاهبردار قلمداد می گردد.

۳- ضمناً برخی از حقوقدانان عقیده دارند کسی که اعمالی از قبیل رمالی، جفر و تعبیر خواب، کف بینی، افسونگری، جادوگری، جن گیری، فالگیری، پیشگویی، چله نشینی، بخت گشایی و امثال آنها را وسیله معرکه یا دوره گردی قرار داده یا با بازکردن دکان یا خانه اعمال مزبور را پیشه و وسیله کسب و استفاده خود قرار دهد، بر اساس "موضوع بند ۱۸ از ماده سوم آیین نامه امور خلافی "، اگر این اعمال به صورت شغل او درآید، کلاهبردار محسوب می شود.

۴- کسی که مال مرهون خود را به وسایل تقلبی چندین بار بیشتر از ارزش واقعی رهن می دهد یا طلبکاری که طلب خود را وصول کرده و به جای اصل قبض بدهکار تصویر آن را به او می دهد و مجدداً در مقام مطالبه طلب برمی آید، کلاهبردار است.

از نظر قانون شروع به جرم کلاهبرداری هم جرم است و دارای مجازات می باشد و دادگاه قانوناً نمی تواند پس از احراز مجرمیت کلاهبرداری مجازات حبس مجرم را کمتر از یک سال تعیین نماید. به دلیل تأثیر منفی جرم کلاهبرداری در ارکان جامعه، این جرم از جرایم غیر قابل گذشت قلمداد شده است.

لازم به ذکر است که اصولاً مرتکب جرم کلاهبرداری باید فعل مادی انجام دهد. ترک فعل نمی تواند مصادیق کلاهبرداری باشد. از سوی دیگر بزه کلاهبرداری ناظر به مردم است و قانونگذار، دولت یا سازمان ها و مؤسسات تحت پوشش یا وابسته به دولت را خارج از شمول این قانون دانسته است.

نمونه ای از شکایت کلاهبرداری

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب اسلامی شهرستان ...

یا

ریاست محترم دادگاه عمومی شهرستان ....

احتراماً به استحضار می رساند که آقای ..... فرزند .... با علم و آگاهی کامل از اینکه فاقد هرگونه سمت اداری است/ یا فلان مال متعلق به او نمی باشد/ یا اینکه آن اختیارات واهی و ادعایی را ندارد/ یا اصلاً ثروتمند نیست / یا اینکه فاقد هرگونه تخصص و فن و علم بوده و با این وصف ادعای دارا بودن آنها را داشته است / یا قبلاً او را از یک حادثه دروغین ترسانده / یا بطور کلی با استفاده از هر نوع وسیله تقلبی دیگر حسب مورد ادعای کذبی نموده و مرا فریب داده و مبلغی معادل .... ریال اخذ یا مالی را از چنگم درآورده است و چون این اقدام مشتکی عنه با قصد و عمد مجرمانه و سوء نیت خاص بوده لذا به استناد ماده یک قانون مربوطه از وی شاکی بوده و تقاضای رسیدگی به موضوع و تعقیب کیفری او را دارم.

دلایل اثباتی= اسناد- گواه- و سایر ادله اثباتی

محل وقوع جرم= شهرستان

آدرس شاکی: شهر ..... خیابان ..... کوچه ..... پلاک .....

آدرس مشتکی عنه: شهر ..... خیابان ..... کوچه ..... پلاک .....

با تقدیم احترام مجدد: شاکی

خیانت در امانت

اشاره:

جرم خیانت در امانت مانند جرایمی چون قتل، سرقت، کلاهبرداری و .... از گذشته های دور در جوامع بشری به چشم می خورد. احادیث و روایات زیادی از بزرگان دین و عقلای جامعه وجود دارد که در آنها انسان ها را به رعایت امانت داری سفارش کرده و امر به رد امانت (بازگرداندن آن بدون کم و کاست) می کند.

خداوند در آیه ۳۷ سوره انفال مردم را به رسانیدن امانت ها به صاحبان آنها امر فرموده است: " انَّ اللهَ یأمُرکُم اَن تُودُّوا الاَمانات الی اَهلِها "

در قابوس نامه در باب نگه داشتن امانت، به داستان جالبی بر- - می خوریم که بازخوانی آن خالی از حکمت و فایده نیست:

"... شنودم که مردی به سحرگاه از خانه بیرون رفت تا به گرمابه رود، به راه اندر دوستی از آن خویش را دید و گفت: موافقت کنی تا به گرمابه شویم؟ گفت: تا در گرمابه با تو همراهی کنم لکن اندر گرمابه نتوانم آمدن که شغلی دارم و تا نزدیک گرمابه بیامد. به سر دوراهی رسید، بی آنکه این مرد را خبر کردی بازگشت و به راه دیگری رفت. اتفاق را طراری از پس این مرد می رفت به طراری خویش. این مرد بازنگرید. طرار را دید و هنوز تاریک بود. پنداشت که آن دوست وی است. صد دینار در آستین داشت بر دستارچه بسته از آستین بیرون گرفت و بدین طرار داد و گفت: ای برادر این امانت است به تو. چون من از گرمابه بیرون آیم به من بازدهی. طرار زر از وی بستد و آنجا مقام کرد تا وی از گرمابه بیرون آمد. روز روشن شده بود. جامه بپوشید و راست همی رفت. طرار وی را بازخواند و گفت: جوانمرد زر خویش بازستان و پس برو که امروز از شغل خویش فروماندم از این نگاه داشتن امانت تو. مرد گفت: این زر چیست؟ و توچه مردی؟

گفت: من طرارم و تو این زر به من دادی، گفت: اگر تو طراری چرا زر من نبردی؟ طرار گفت: اگر به صناعت خویش بردمی، اگر هزار دینار بودی از تو یک جو نه اندیشیدمی و نه بازدادمی و لکن تو بزینهار به من دادی. زینهاردار نباید که زینهار خوار باشد که امانت بردن جوانمردی نیست."

خیانت در امانت در قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: " هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته هایی از قبل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شد و بنا براین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد."

بررسی کلمات و آثار آن در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی

اموال منقول یا غیر منقول

اشیایی که انتقال آنها از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود اشیا یا محل اسقرار آنها خرابی وارد شود، منقول هستند مانند: اتومبیل، کتاب و...

مالی که از محلی به محل دیگر قابل نقل و انتقال نباشد، غیر منقول است خواه استقرار آن ذاتی باشد (مانند زمین یا کوه) یا به دلیل عمل انسان برای انتقال آن، در خود مال یا محل آن خرابی یا نقص ایجاد شود (مثل خانه).

سفته، چک و قبوض

چک و سفته اسنادی تجاری اند که در داد و ستد به کار می روند؛ همچنین است برات. قبوض جمع کلمه قبض است مانند رسیدهای تحویل کالا، جنس، پول و ....

اجاره، امانت و رهن

عقودی اند که مردم روابط معاملاتی خود را در قالب آنها تنظیم و انشاء می کنند. برای مثال، اشخاص جهت استفاده از منافع یک مغازه تجاری یا مکان مسکونی مبادرت به انشای عقد اجاره می کنند.

یکی از اشتباهاتی که ممکن است در بحث جرم خیانت در امانت به

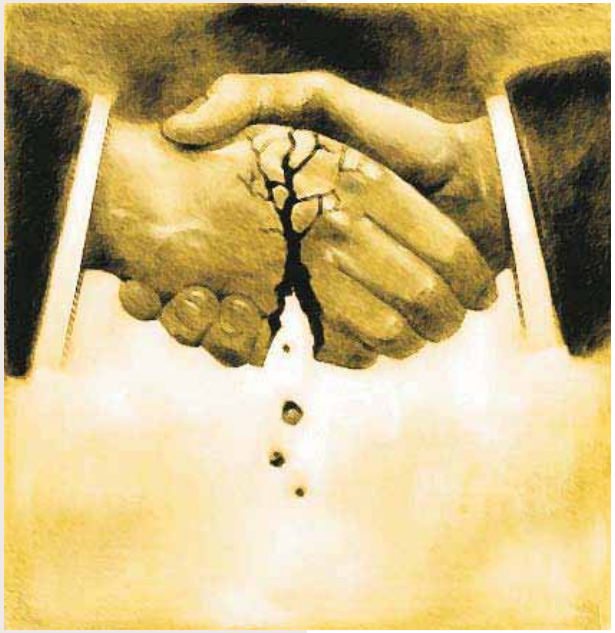

وجود آید، این است که عده ای گمان کنند برای تحقق این جرم حتماً باید عقد یا قراردادی وجود داشته باشد؛ یعنی برای محکوم کردن کسی به ارتکاب جرم خیانت در امانت، شاکی باید ثابت کند که با متهم عقد امانت یا اجاره یا ... منعقد کرده است. برای رفع این اشتباه، قانونگذار از عبارت : " ... یا هر کار با اجرت یا بی اجرت ... " استفاده کرده است. برای مثال اگر شخصی برای کمک به دوستش در اسباب کشی منزل عنوان کند که بدون هیچ دستمزدی مال او را با وانت خود جا به جا خواهد کرد ولی به جای تحویل اجناس آنها را به فروش برساند، مرتکب جرم خیانت در امانت شده است بدون آنکه بین آن دو قرارداد یا عقدی وجود داشته باشد.

استعمال کردن

مصرف کردن یا استفاده کردن از مال مورد امانت است. برای مثال شخصی اتومبیل خود را به دوستش امانت می دهد تا در پارکینگ منزل خودش از آن نگهداری کند ولی دوست وی از آن اتومبیل برای مسافرکشی استفاده می کند.

تصاحب

یعنی شخص امین به جای انجام وظیفه اصلی اش رفتاری با مال مورد

امانت کند که مال دیگری را از آن خود بداند و با آن طوری رفتار کند که دیگران گمان کنند او مالک مال است. برای مثال شخصی فرش دست بافت خود را به امانت به دوستش می دهد ولی دوست وی آن را به فروش می رساند.

اتلاف

تلف کردن یا نابود کردن مال مورد امانت یکی دیگر از گونه های خیانت در امانت است. از بین بردن مال مورد امانت به شکل هایی گوناگون متصور است. مانند اینکه امین مال مورد امانت را که یک چک است پاره می کند یا آتش می زند.

مفقود کردن

ممکن است امین بدون آنکه مال مورد امانت را تصاحب یا استفاده یا تلف کند، اقدامی نماید که مالک قادر به دست یابی به مال اش نباشد. برای مثال امین انگشتر مورد امانت را به داخل چاه حمام بیندازد؛ یعنی علی رغم آنکه انگشتر وجود دارد، ولی دسترسی به آن برای مالک امکان پذیر نباشد. البته باید توجه داشت که در این حالت برای اینکه خیانت در امانت صورت گرفته باشد، می بایست امین مال را عمداً مفقود کند در صورتی که اگر بر اثر بی احتیاطی انگشتر از دستش رها شده باشد و داخل چاه بیفتد، نمی توان او را به جرم خیانت در امانت تحت تعقیب قرار داد.

شرایط سپردن مال امانی

برای تحقق جرم خیانت در امانت، مال امانی باید توسط مالک یا متصرف قانونی به امین سپرده شود. پس اگر شخصی مالی را پیدا کند و در آن تصرفاتی علیه مالک بنماید، جرم خیانت در امانت محقق نمی شود زیرا آن مال به شخص یابنده سپرده نشده است. حتی اگر مالی به امین سپرده شود ولی او فوت کند و ورثه اش در آن مال امانی تصرفاتی به نفع خود کنند، مرتکب جرم خیانت در امانت نشده اند زیرا مال به آنان سپرده نشده است. ولی عکس قضیه صادق نیست یعنی اگر امانت گذار پس از سپردن مال به امین فوت کند و امین مال را به ضرر ورثه امانت‌گذار تصرف و تصاحب نماید، جرم خیانت در امانت محقق می شود زیرا عنصر سپردن وجود دارد.

همچنین سپردن مال باید از راه های قانونی صورت گرفته باشد پس اگر

سارق مال مسروقه را نزد دیگری به امانت گذارد و امین به جای بازگرداندن مال آن را به ضرر سارق به صاحب اصلی کالا یا دولت بدهد یا اصلاً از آن به نفع خود استفاده نماید، مرتکب جرم خیانت در امانت نشده است.

سؤالی که در اینجا پیش می آید آن است که اگر دو نفر به طور شراکتی مالک مال مشاعی باشند و یکی از آنها که مال به امانت به او سپرده شده آن را به نفع خود تصاحب کند قابل تعقیب است؟ پاسخ این است که:

فرض کنید عده ای یک قطعه زمین را مشاعاً شریک هستند و تمام شرکا مال را به امانت به یک نفر از میان خودشان می سپارند ولی او آن مال را به نفع خود تصاحب کرده و می فروشد یا به اجاره واگذار می کند. در اینجا دو نظر وجود دارد:

۱- عده ای از علمای حقوق اعتقاد دارند که در اینجا جرمی محقق نمی شود زیرا هر جزء از مال مشاع متعلق به کلیه شرکا از جمله همین شریک است.

۲- عده ای هم اعتقاد دارند این شخص مالک تمام مال نبوده و اقدامات او فقط به اندازه سهم اش صحیح است و اقدام او نسبت به سایرین، عملی مجرمانه محسوب می شود.

به نظر می رسد که نظردوم با منطق و عدالت سازگارتر باشد. ولی در عین حال بین قضات نیز چنین اختلاف نظرهایی وجود دارد. به همین جهت است که در عمل، مواجه با برخوردهای دوگانه با موضوع هستیم.

مسئله دیگر آنکه گاهی اوقات امین خود را در تصرف مال امانی ذی حق دانسته و به خود اجازه دخل و تصرف در آن می دهد. فرض کنید شخص (الف) مبلغ دو میلیون ریال نزد شخص (ج) به امانت می گذارد تا پس از دو هفته به وی بازگرداند ولی او در پایان مهلت از بازگرداندن وجه به (الف) خودداری می کند با این استدلال که (الف) به او مبلغ سه میلیون ریال بدهکار است. به عبارت دیگر او مدعی " داشتن حق بر گردن (الف) "

می شود. آیا در این صورت شخص (ج) باز هم قابل تعقیب است؟

نظر غالب آن است که (ج) فاقد سوء نیت بوده و در واقع با این عمل قصد احقاق حق دارد و به اصطلاح " تقاص " می کند.

سؤال: برای تعقیب مرتکب جرم خیانت در امانت باید به کدام دادسرا یا دادگاه رجوع کرد؟

جواب: فرض کنید شخص (الف) یک قطعه فرش را در تهران به شخص (ج) به امانت می سپارد تا چند روز بعد به او برگرداند. شخص (ج) نیز آن را در شیراز می فروشد. آنچه مسلم است، (ج) در شیراز مرتکب جرم شده زیرا مال مورد امانت در این شهر فروخته شده و جرم موقعی محقق شده که مال مورد امانت به فروش گذاشته شده است؛ بنابراین در این مورد باید به دادگاهی در شهر شیراز جرم در حوزه آن واقع شده، مراجعه کرد.

سؤال: معمولاً بعد از تحقق اختلاف بین زن و شوهر، زوجه برای مطالبه جهیزیه، علیه شوهر شکایت خیانت در امانت طرح می کند. آیا شوهر تحت این عنوان قابل تعقیب است؟

جواب: جهیزیه در ایام ازدواج معمولاً در اختیار زوجه است و مورد استفاده زن و شوهر قرار می گیرد. بنابراین به هیچ وجه نمی توان شوهر را امانت دار جهیزیه دانست. در این مورد زن برای مطالبه جهیزیه باید " دادخواست مطالبه " را به دادگاه حقوقی تقدیم کند تا به حق خود برسد.

چک

اشاره :

امروزه به دلیل حجم فراوان معاملات اقتصادی، میزان زیاد مبالغ و سهولت در حمل چک به جای پول نقد، استفاده از این سند مالی در جامعه به طور مرتب در حال افزایش است. بنابراین آشنایی شهروندان با قوانین چک باعث می شود که از یک سو با جرایمی که به طور سهوی یا عمدی در استفاده از آن به وقوع می پیوندد آشنا شوند و به مجازات –هایی که در این خصوص در نظر گرفته پی‌ببرند و از این طریق از بروز برخی جرایم جلوگیری شود. از سوی دیگر با اطلاع از این مقررات هرگاه در گیر پرونده های مربوط به چک شدند با آگاهی بیشتری بتوانند در بازپس گیری حقوق از دست رفته شان اقدام نمایند.

تعریف :

بر اساس قانون تجارت چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده می تواند تمام یا قسمتی از پولی را که در نزد بانک دارد باز پس گیرد یا به شخص دیگری واگذار نماید. در این فرآیند سه نفر حضور دارند: صادر کننده، دارنده و پرداخت کننده. هر یک از این اشخاص وظایف و حقوقی دارند که به آن خواهیم پرداخت.

صادر کننده :

شخصی که چک را صادر می کند، باید در تاریخ مندرج در چک به اندازه مبلغ آن در بانک وجه نقد یا اعتبار داشته باشد.

– صادر کننده در زمان مندرج در چک، نباید تمام یا قسمتی از وجه را از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه را بدهد.

– در صورت عدم مطابقت امضا، قلم خوردگی در متن، اختلاف در مندرجات چک مسایلی از این قبیل، بانک از پرداخت پول خودداری می کند. بنابراین صادر کننده در نوشتن مطالب موجود در چک می بایست دقت نماید و نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به این علل از پرداخت وجه خودداری کند.

سؤال: اگر صادر کننده پس از صدور متوجه شود که چک از طریق کلاهبرداری از او گرفته یا سرقت شده یا اینکه آن را گم کرده باشد چگونه می تواند از حقوق خود دفاع کند ؟

جواب : صادر کننده می تواند دستور عدم پرداخت و جه را به بانک بدهد. در این دستور کتبی باید به طورصریح عنوان کند که به چه علت می خواهد مبلغ‌چک پرداخت نگردد. برای مثال :

ریاست محترم بانک ..... شعبه .....
تاریخ ..... اینجانب ..... فرزند .....
صاحب حساب جاری به شماره ..... بدین وسیله اعلا م میدارد که چک به شماره ..... (مفقود سرقت، کلاهبرداری .....) شده و در اجرای ماده ۱۴ قانون صدور چک خواستار عدم پرداخت آن می باشد .

..... امضا

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد :

دستور عدم پرداخت ممکن است به وسیله صادر کننده یا دارنده چک به بانک ارایه شود (دارنده سند می تواند حامل یا شخصی باشد که چک به نام او صادر شده است).

– هر شخصی که به بانک دستور عدم پرداخت می‌دهد باید اعلام کند که به چه علت بانک نباید پول را پرداخت کند. مواردی که می توان دستور عدم پرداخت داد عبارتند از : اعلام مفقودی، سرقت، جعل، کلاهبرداری، خیانت در امانت و یا به دست آوردن چک از راههای مجرمانه۱ دیگر. بنابراین اگر (الف) برای (ب) به خاطر معامله ای دیگری چک صادر کند اما (ب)

نتواند به تعهداتش در مقابل صادر کننده (الف) عمل کند، در این حالت شخص صادر کننده نمی تواند دستور عدم پرداخت چک را بدهد زیرا عدم انجام تعهد جرم نیست و صرفا یک تخلف مدنی۲ است. برای انجام تعهد یا فسخ معامله یا سایر موارد، صادر کننده می تواند از طریق تقدیم دادخواست به دادگاه اقدام کند که ارتباطی با چک صادر شده در گذشته ندارد. و به بیان دیگر باید وجه چک را بپردازد و سپس (الف) با رعایت مقررات و تشریفات مربوط ادعایش را به اثبات برساند.

– دستور دهنده می‌بایست پس از اعلام عدم پرداخت به بانک شکایت خود را تحویل مراجع قضایی۳ تحویل دهد. در مرحله بعد حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را که از مراجع قضایی دریافت کرده به بانک تسلیم نماید. در غیر این صورت بانک پس از یک هفته وجه چک را با تقاضای دارنده به او پرداخت می کند.

نمونه شکایت نامه به مراجع قضایی

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان .....

اینجانب ..... فرزند ..... یک فقره چک به شماره ..... به مبلغ ..... عهده بانک[۴] ..... شعبه ..... از آقای ..... دریافت کردم . هنگام مراجعه به منزل در تاریخ ..... این چک با سایر محتویات موجود در کیف دستی‌ام به سرقت رفت.

خواهشمند است ضمن دستو ر تعقیب و انجام تحقیقات مقدماتی به کلانتری حوزه مربوطه در راستای اعمال تبصره دو ماده ۱۴ قانون صدور چک[۵] گواهی تقدیم شکایت را صادر فرمایید.

امضا

– هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت شود، دستور دهنده به بانک برای عدم پرداخت وجه علاوه بر مجازات حبس و جزای نقدی، باید کلیه خسارت های وارد شده به دارنده چک را نیز بپردازد.

دارنده :

شخصی است که برای نخستین بار چک را به بانک ارایه می دهد. برای اینکه مشخص شود چه کسی برای اولین بار آن را به بانک ارایه کرده است، بانک ها وظیفه دارند به محض مراجعه دارنده، هویت کامل و دقیق

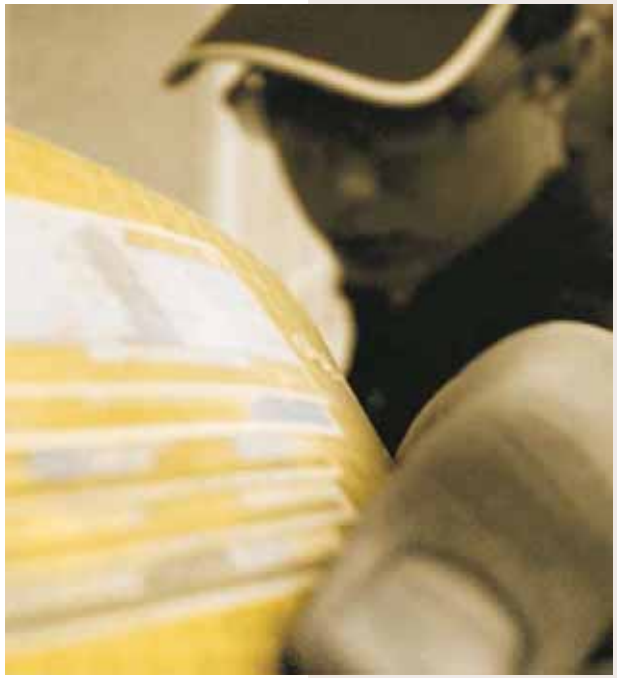

او را با ذکر تاریخ در پشت چک درج نمایند.

برای مثال : یک نفر چکی را در وجه حامل صادر می کند سپس آن را به شخص دیگری می دهد و او هم چک را به نفر سو م انتقال می هد. اگر سومین نفر برای دریافت پول به بانک برود، بانک می بایست مشخصات کامل او را به عنوان دارنده با ذکر تاریخ در پشت چک به ثبت برساند. چنانچه پس از ثبت نام این فرد در پشت چک، او متوجه شود که موجودی صادر کننده کمتر از مبلغ چک است و آن را به شخص چهارمی انتقال دهد. در این صورت نفر چهارم دیگر حق تعقیب کیفری صادر کننده را ندارد. همچنین اگر نفر سوم از صادرکننده شکایت کیفری کند و پس از شکایت چک را به نفر چهارم انتقال دهد، باز هم تعقیب کیفری متوقف می شود. معمولاً در بازار چک دست به دست به چند نفر منتقل می شود. دارنده به بانک مراجعه کرده و برای دریافت پول مشخصاتش را در پشت آن یادداشت می کند اما به علت نبودن نقدینگی، چک برگشت می خورد. بنابراین آن را به نفر قبلی می‌دهد و اصل پولش را از او دریافت می کند. انتقال دهنده چک (همان کسی که به ازای پرداخت پول به نفر آخر چک را پس گرفته)، با همان گواهی عدم پرداخت به دادسرا مراجعه کرده و از صادر کننده شکایت کیفری می کند ولی با این مشکل مواجه خواهد شد که دادسرا

شکایت او را نمی پذیرد. زیرا پس‌از برگشت خوردن، چک به او منتقل شده است بنابراین حق شکایت کیفری ندارد.

چند توصیه مهم به دارندگان چک که می خواهند از راه کیفری صادرکننده را تعقیب کنند:

– برای تعقیب کیفری دارنده چک فرصت دارد تا ۶ ماه پس از تاریخ صدور آن برای دریافت پول به بانک مراجعه کند و اگر چک قابل پرداخت نبود دارنده فرصت دارد تا ۶ ماه پس از صدور گواهی عدم پرداخت از بانک برای شکایت به دادسرا مراجعه کند. مثلا اگر تاریخ صدور چک ۱۳۸۲/۲/۲۰ باشد و دارنده در تاریخ ۸۲/۵/۲۰ به بانک رفته و گواهی عدم پرداخت دریافت نماید، تا تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۰ فرصت دارد از صادر کننده شکایت کیفری کند در غیر این صورت شکایت او پذیرفته نخواهد شد.

سوأل: اگر دارنده چک (روز یا مدت دار) در همان تاریخ صدور به بانک مراجعه کند و گواهی عدم پرداخت دریافت نماید، تا چه تاریخی فرصت دارد که از صادر کننده شکایت کند ؟

جواب : تا تاریخ ۱۳۸۲/۸/۲۰

مسایلی که دارنده چک باید در شکایت رعایت کند:

– برای شکایت کیفری باید به دادسرایی مراجعه کنیم که بانک مورد نظر در حوزه قضاییش قرار گرفته است.

سوأل : اگر صادرکننده چک مقیم تهران باشد و آن را برای انجام معامله ای در زاهدان به کسی بدهد که مقیم شیراز است و چک مزبور در وجه بانک ملی اصفهان باشد در صورت نداشتن اعتبار، دارنده چک برای شکایت باید به کجا مراجعه کند ؟

جواب : باید به دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان مراجعه نماید.

– مدارک لازم و هزینه هایی که برای شکایت باید پرداخت شوند عبارتند از:

مدارک مورد نیاز: کپی مصدق (گواهی برابر اصل) چک، کپی مصدق (گواهی برابر اصل) گواهی عدم پرداخت، تنظیم شکایت و ابطال تمبر (برای باطل کردن تمبر باید توجه داشت که هزینه گواهی برابر با اصل چک و گواهی عدم پرداخت به ازای هر برگ ۲۰۰ ریال است). محاسبه هزینه شکایت کیفری چک‌های بی محل بر اساس مبلغ آنها صورت می گیرد. هزینه شکایت کیفری علیه صادرکننده چک بلامحل تا مبلغ یک میلیون ریال، هزار ریال و نسبت به مازاد آن تا ۱۰ میلیون ریال، سه هزار ریال و مازاد بر ۱۰ میلیون ریال، ۱۰ هزار ریال می باشد.

سوأل : دارنده چک بدون محل از چه شخص یا اشخاصی می‌تواند شکایت کیفری کند ؟

جواب : فقط علیه صادر کننده. مثلا چکی دست به دست جابه جا شده و در نهایت نفر آخر پی می برد که سند مزبور بدون محل است. در این صورت وی می تواند فقط از نفر اول یعنی صادر کننده شکایت کیفری کند. البته این امر مانع از آن نیست که علیه سایرین دعوی مدنی طرح کند. به بیان ساده، شکایت کیفری و مسوأولیت کیفری فقط برای صادرکننده قابل تصور می باشد نه ظهرنویس ها و ضامن ها.

نمونه شکایت برای چک های بدون محل:

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب .....

با سلام

اینجانب..... فرزند ..... یک فقره چک به شماره ..... عهده بانک به مبلغ ..... از آقای ..... دریافت کردم و پس از مراجعه به بانک محال علیه[8] متوجه شدم که حساب ایشان فاقد موجودی است کپی مصدق چک و گواهی عدم پرداخت بانک پیوست می باشد. راجع به‌صدور چک پرداخت نشدنی از ایشان شاکی هستم و تقاضای تعقیب او را برابر مقررات صدور چک دارم .

امضا

سوأل : آیا در مثال قبل مسوأولیت عدم پرداخت فقط متوجه صادر کننده چک است ؟

جواب : خیر نفرات قبل از دارنده هم مسوأولیت دارند ولی نه مسوأولیت کیفری که بتوان آنها را تعقیب کرد و به مجازات رساند. بلکه مسوأولیت آنها مدنی است[7]. یعنی با تقدیم دادخواست و تعقیب مدنی می توان از آنها وجه چک را طلب کرد.

پرداخت کننده :

گاهی اوقات وجه چک به علت هایی مثل کسر موجودی، عدم مطابقت امضا، قلم خوردگی و مواردی از این دست قابل پرداخت نیست. در این حالت بانک وظیفه دارد در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شد ه باشد، علت عدم پرداخت را به روشنی قید کند. سپس این برگ را مهر و امضا کرده و به دارنده تسلیم

کند. در این مورد دارنده چک هم باید توجه کند که متن گواهی عدم پرداخت درست و کامل پر شده باشد و تاریخ صدور گواهی صحیح نوشته شود. در این گواهی می بایست همخوانی یا عدم همخوانی امضای صادر کننده با امضای موجود در بانک عنوان گردد. همچنین بانک باید به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم گواهی عدم پرداخت را به آخرین نشانی صاحب حساب ارسال کند. در این برگ می بایست مشخصات کامل و نشانی دارنده آورده شود.

سؤال: اگر موجودی بانکی صادر کننده کمتر از مقدار وجه چک باشد ولی دارنده بخواهد تنها همان مقدار موجودی را برداشت کند ناچار است اصل چک را تحویل بانک دهد. در این صورت برای دریافت مابقی مبلغ چه مدرکی دردست خواهد داشت؟

جواب: در این حالت به تقاضای دارنده چک، بانک وظیفه دارد تمام مبلغ موجود در حساب را به دارنده بپردازد. دارنده در پشت چک یادداشت می کند که چه مقدار از مبلغ را دریافت نموده و به جای آن یک گواهی از بانک دریافت می کند که در آن میزان مبلغ دریافتی قید شده است چک پرداختی هم نسبت به دریافت مابقی مبلغ بی اعتبار و گواهی بانک برای دارنده در حکم اصل سند محسوب می شود.

پی نوشت ها:

۱- راههای مجرمانه: مثل تهدید، اخاذی، جعل و ...

۲- تخلف مدنی: مثل عدم پرداخت بدهی، عدم وفای به‌عهد.

۳- مراجع قضایی : مانند دادسرا، دادگاه.

۴- عهده بانک: در نزد بانک.

۵- تبصره دو ماده ۱۴ قانون صدور چک: دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خو د را به بانک ارایه دهد در غیراین صورت پس از انقضای مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آنرا پرداخت می کند.

۶- تعقیب کیفری: در مقابل تعقیب مدنی است یعنی شخص به علت ارتکاب به جرم تحت تعقیب مراجع قضایی قرار می گیرد.

۷- مسوٌولیت مدنی: در مقابل مسوٌولیت کیفری قرار دارد که می تواند به شکل جبران خسارت، انجام تعهد، وفای به عهد و غیره باشد.

۸- بانک محال علیه: بانکی که چک در وجه آن صادر شده باشد.

۹- مشتکی عنه: کسی که از او شکایت شده است .

مقدمه:

یکی از جرایم علیه اموال و مالکیت دعاوی، " تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق " است که مراجعه کنندگان به دستگاه قضایی تقاضای رسیدگی به آن را دارند. این جرم هم به لحاظ ماهیت و دلایل اثباتی اش و هم به لحاظ سیر تاریخی مقررات مربوط به آن، به ویژه در دو دهه اخیر دارای پیچ و خم هایی است که گاه اهل فن یعنی قضات و وکلا نیز در مورد مصادیق و تطبیق آن با قانون دچار مشکل می شوند. در این مختصر بی آنکه بخواهیم وارد مباحث فنی و موارد اختلاف شویم، به نکاتی کاربردی درخصوص این جرم و مصادیق آن به زبان ساده می پردازیم.

تصرف

قبل از هر چیز باید بدانیم که به منظور حفظ نظام جامعه و احترام به مالکیت اشخاص نسبت به اموال، قانون با هدف برقراری نظم، از تصرف اشخاص حمایت کرده است و به همین خاطر در مقابل اشخاصی که می‌خواهند با قدرت فردی این رابطه فرضی بین اموال و متصرفان را برهم بزنند، برخورد می کند. بنابراین اگر فردی مدعی غیر قانونی بودن رابطه تصرف باشد، ناچار با توسل به قانون و با اقامه‌ی دعوی باید این رابطه را بر هم زده و متجاوز را باز دارد والا خود متجاوز محسوب خواهد شد.

در قوانین کشور ما تعریف خاصی از تصرف به عمل نیامده و تنها در ماده ۳۵ قانون مدنی آمده است که: " تصرف به عنوان مالکیت دلیل

مالکیت است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود ". برای مثال ساعت مچی که در دست آقای (الف) است یا لباسی که به تن دارد یا انگشتر قیمتی ای که به دست دارد و... ، متعلق به او فرض می شود مگر آنکه ثابت شود متعلق به دیگری است و او به عنوان امانت این اشیا را در تصرف دارد یا اینکه اصلاً تصرف های او غاصبانه و غیر قانونی است. حال این سؤال پیش می آید که چه کسی باید خلاف تصرف قانونی او را ثابت کند؟ او یا شخص مدعی؟

فرض کنیم فرش نفیسی در منزل آقای (ج) پهن شده و در تصرف اوست و از آن استفاده می کند. آنگاه آقای (ک) مدعی می شود که این فرش متعلق به اوست و او آن را به آقای (ج) عاریه داده است. در اینجا این آقای (ک) است که باید ثابت کند فرش را به آقای (ج) به امانت داده است.

حال در همین فرض اگر آقای (ج) در پاسخ به ادعای آقای (ک) چنین دفاع کند: " من فرش را از آقای (ک) خریدم و در تصرف دارم "، از نظر قانون او دیگر نمی تواند از حمایت تصرف اش استفاده کند زیرا مدعی است که مبنای مشروعیت تصرف و مالکیت او، معامله با آقای (ک) است. در این حالت اوست که باید ثابت کند از آقای (ک) فرش را خریده است.

با این مثال ساده متوجه می شویم که جامعه و قانون، از متصرف یک مال (تا زمانی که صرفاً به تصرف اش متکی است) حمایت می کند ولی همین که متصرف در صدد بیان منشاء تصرفش برآید، باید قانونی بودن آن را ثابت کند.

تا اینجا متوجه شدیم که تصرف، همان " سلطه و اقتداری است که شخص بر یک مال دارد؛ خواه مستقیم، خواه به واسطه دیگری ". برای مثال تصرف سرایدار یک منزل، ناشی از اقتداری است که صاحب خانه داشته و بر همین اساس به او اجازه تصرف می دهد. به بیان دیگر متصرف مال ممکن است در حقیقت مالک آن مال باشد یا به اجازه مالک، آن را در تصرف داشته باشد؛ همچنان که ممکن است بر خلاف رضایت مالک بر آن سلطه پیدا کرده و در تصرف غاصبانه خود درآورده باشد. بر اساس موارد یاد شده، هر شخصی قدرت و اختیار اجرای حق در مال خود را دارد. بنابراین اگر شخص دیگری این قدرت و اختیار تصرف را از صاحب حق سلب کند، سه حالت متصور می باشد:

حالت اول: تصرف عدوانی

متصرف عدوانی به کسی گفته می شود که مالی را از تصرف دیگری بدون رضایت او خارج می سازد و خودش به صورت غیر قانونی متصرف آن می گردد.

حالت دوم: ایجاد مزاحمت

حالتی است که شخص مزاحم بدون آنکه مال را از تصرف متصرف خارج کند، برای تصرفات او ایجاد مزاحمت می کند. برای مثال شخصی با ریختن نخاله های ساختمانی جلوی درب ورودی منزل همسایه، نگذارد صاحب منزل وارد خانه خود شود. به بیان ساده، شخص مزاحم با اعمال خود برای تصرفات مالک یا متصرف قانونی، اخلال ایجاد می کند.

حالت سوم: ممانعت از حق

در این حالت شخص نه متصرف عدوانی است و نه مزاحم بلکه مانع از آن می شود که صاحب حق از حق خود استفاده کند. برای مثال شخصی حق عبور از زمین دیگری یا حق استفاده از مجرای آبی ملک او را دارد ولی آن شخص جلوی آب را گرفته و نمی گذارد آب عبور کند. فرض کنید دو واحد از یک آپارتمان انشعاب آب مشترک دارند اما لوله آب از واحد " یک " عبور کرده و آنگاه به واحد " دو " می رسد. مالک طبقه اول نیز با گذاشتن یک زانویی و بست، مانع رسیدن آب به طبقه دوم می شود.

شاید از روی عرف بتوان این عمل را نوعی مزاحمت دانست ولی از حیث قانون این عمل ممانعت از حق است. در دعوی مزاحمت، مزاحم نسبت به استفاده از مال که در تصرف دیگری است، خلل ایجاد می کند در حالی که در اینجا بدون آنکه مزاحم استفاده از عین مال شود فقط مانع استفاده‌ی ذی حق از حق عبور یا حق استفاده از مجرای آب و... می شود.

تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق در قانون مجازات اسلامی

در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی آمده که: " هر کس به وسیله صحنه سازی مانند پی کنی، دیوار کشی، تغییر حد فاصل، از بین بردن مرز، نهر کشی، حفرچاه، کاشتن درخت، کشاورزی و امثال این اعمال به تهیه آثار تصرف در اراضی کشاورزی اعم از آنکه کشت شده یا در آیش

زراعی باشند یا در جنگل ها و مراتع ملی شده، کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه سارها، نهرهای طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و زمین های بایر یا موات و املاک و اراضی متعلق به دولت یا شرکت‌های دولتی و اوقاف و شهرداری‌ها یا املاک و اراضی دیگران به منظور تصرف یا ذی‌حق معرفی کردن خود یا دیگری مبادرت کند یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد گفته شده نماید، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم می شود و دادگاه پس از رسیدگی، علاوه بر اعمال مجازات، حسب مورد متجاوز را به رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق و برگرداندن اوضاع به حالت اولیه و قبل از ارتکاب جرم محکوم می کند. "

دستور موقت ماندن عملیات

یکی از مسایلی که در دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق مورد تقاضای شاکی است، جلوگیری از ادامه اعمال متجاوز می باشد از این رو قانون به مقام قضایی اجازه داده تا برای جلوگیری از عملیات متجاوز و توقف عملیات اجرایی، با صدور دستور موقت مانع از ورود خسارت بیشتر به شاکی شود.

نمونه شکایت

ریاست محترم دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان

احتراماً اینجانب ..... فرزند ..... مقیم ..... از آقای ..... فرزند ..... به نشانی ..... به عنوان ممانعت از حق شاکی هستم. زیرا نامبرده در تاریخ ..... مبادرت به بستن و قفل کردن موتورخانه شوفاژ واقع در .... که اینجانب با ایشان به صورت مشترک از آن استفاده می کنیم کرده و مانع تعمیر و روشن کردن آن در این فصل سرما می شود. بهانه ایشان نیز عدم پرداخت حق اشتراک توسط سایر مشترکین می باشد. صرف نظر از آنکه نامبرده سمتی در ساختمان نداشته، حسب گواهی مدیر ساختمان و اعضای هیئت مدیره حق شارژ تمامی مشترکین نیز پرداخت شده، از این رو مطابق مقررات تقاضای تعقیب کیفری و صدور دستور موقت بر جلوگیری از ادامه عملیات متجاوزانه ایشان را دارم.

امضا